

چالش‌های ترجمه در باهم‌آیی‌های قرآنی (بررسی موردی: ترکیب‌های وصفی و اضافی)

محمد امیری فر^{۱*}، کبری روشنفکر^۲، خلیل پروینی^۳، عالیه کرد زعفرانلو کامبوزبا^۴

- ۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
- ۲- دانشیار رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
- ۳- استاد رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
- ۴- دانشیار رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۹۵/۴/۱۷

دریافت: ۹۴/۱۱/۲۶

چکیده

باهم‌آیی^۱، کاربرد معمول دو یا چند واژه در کنار هم، با بسامد بالا و به‌گونه‌ای است که نتوان آن را تصادفی دانست. این پدیده زبانی در دوران معاصر، نظر بسیاری از ترجمه‌پژوهان را به خود جلب کرده و آن‌ها را بر آن داشته است که به رصد ترجمه باهم‌آیی‌ها در متون مختلف بپردازند.

پژوهش حاضر با روشی توصیفی و تحلیلی، نخست به استخراج ۵۵ باهم‌آیی وصفی و اضافی در قرآن و ترجمه آن در ده ترجمه معاصر قرآن کریم پرداخته و سپس به نقد و تحلیل این ترجمه‌ها همت گماشته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد عدم توجه مترجمان قرآن به این پدیده به‌عنوان یک واحد ترجمه، در موارد بسیاری، ترجمه‌هایی مختلف از یک باهم‌آیی یکسان قرآنی به‌دنبال داشته است و از طرفی مترجمان از باهم‌آیی‌های مختلف قرآنی، ترجمه‌هایی یکسان ارائه داده‌اند. در پایان، راه‌حلی برای این چالش‌ها پیشنهاد شده است که مترجمان از پیش معادل‌هایی برای ترکیبات هم‌آیند قرآنی استفاده نمایند تا براساس آن، ترکیب‌ها در سراسر ترجمه، یکسان‌سازی شود.

واژگان کلیدی: باهم‌آیی، ترجمه قرآن، ترکیب‌های وصفی، ترکیب‌های اضافی

۱- مقدمه

از زمانی که ترجمه در میان ملل گوناگون همگانی شد، ترکیبات ناهم‌آیند به تاثیر از زبان مبدأ، در زبان‌های مختلف فزونی یافت و این یکی از اصلی‌ترین عوامل توجه زبان‌شناسان و مترجمان به موضوع هم‌آیی و هم‌نشینی واژگان شد؛ تا جایی که برخی از پژوهشگران در صدد رصد ورود این ترکیب‌ها به زبان خود شدند و مواردی از آن را شناسایی و معادل‌های آن را معرفی یا تولید کردند.

«ترجمه‌ها عامل اصلی ورود ترکیبات جدید و گاه عجیب و بی‌معنی به زبان‌ها بوده است. از یک سو، انتقال ترکیبات نو از یک زبان به زبان دیگر مایه غنای زبان می‌گردد؛ اما از سوی دیگر وارد ساختن ترکیبات ناهم‌آیند- به تاثیر از ترکیبات زبان مبدأ- به زبان مقصد، موجب سستی و رکاکت نظام زبانی به‌ویژه نظام معنایی و بلاغی می‌گردد. بنابراین ترجمه ترکیبات و عبارات بر مبنای نظام همایشی زبان مقصد در این جا اهمیت ویژه می‌یابد. مترجمان موظف‌اند ترکیبات زبان مبدأ را - چنانچه مطابق نظام همایشی زبان مقصد نباشد- به ترکیب‌های معادل و دارای همایش به زبان مقصد ترجمه کنند» (قلی‌زاده، ۱۳۷۸: ۲۳۱).

در پژوهش حاضر ضمن معرفی پدیده باهم‌آیی، به سه مسئله اصلی در ترجمه باهم‌آیی‌های قرآنی اشاره می‌شود.

نخست: گاهی یک باهم‌آیی یکسان در قرآن کریم، در ترجمه به باهم‌آیی‌های مختلف و گاه متخالف ترجمه می‌شود که به‌نظر می‌رسد مترجمان قرآن، توجه کافی به این پدیده نداشته‌اند لذا این مشابهاات شایع و اساسی قرآن را در ترجمه، نادیده گرفته‌اند.

دوم: گاهی مترجمان، از باهم‌آیی‌های مختلف قرآنی، ترجمه‌ای واحد ارائه می‌دهند و دلالت‌های مختلف و تفاوت‌های ریز و دقیق آن‌ها را نادیده می‌گیرند حال آن‌که شایسته و البته بایسته است مترجم تمام تلاش خود را به‌کار گیرد تا بار معنایی، عاطفی و حاشیه‌ای یک باهم‌آیی را تا حد امکان در زبان مقصد به‌تصویر کشد.

سوم: ترجمه تحت‌اللفظی بعضی از باهم‌آیی‌هاست که اصل عربی آن در فارسی رایج و متداول است و ترجمه این هم‌آیندها به صورت تحت‌اللفظی از شیوایی و رسایی ترجمه کاسته و ترجمه آن گاهی نامفهوم، کژتاب و دوپهلو است.

مهم‌ترین سوالات پژوهش عبارتند از:

(الف) باهم‌آیی، چگونه می‌تواند به بهبود ترجمه‌های فارسی قرآن کریم کمک کند؟
(ب) موفق‌ترین مترجمان مورد بررسی در این پژوهش، در ترجمه باهم‌آیی‌های قرآنی چه کسانی هستند؟

۱-۱- تعریف باهم‌آیی

باهم‌آیی، پدیده‌ای است که در همه زبان‌های دنیا وجود دارد و مختص به یک زبان خاص نیست. در فارسی، دو واژه (فاسد و گندیده) با همه مشابهت معنایی، هم‌آیندهای مختلفی دارند. مثلاً عرف زبانی فارسی مشخص می‌کند که یکی با شیر (شیر فاسد) و دیگری با تخم مرغ (تخم مرغ گندیده) هم‌نشین شود.

جی. آر. فرث^۲، زبان‌شناس انگلیسی، این اصطلاح را نخستین بار به عنوان نوعی از سیاق در نظریه معنایی خود در سال ۱۹۵۷ به کار برد. «او باهم‌آیی را کاربرد معمول دو یا چند واژه با یکدیگر دانست که در زبان از بسامد وقوع بالایی برخوردار است؛ به نحوی که نتوان این هم‌نشینی را تصادفی دانست. فرث به تشخیص واژه از طریق معنی واژه‌های هم‌نشین اعتقاد داشت و بر آن بود که باهم‌آیی واژه‌ها، تنها بخشی از معنی آن را در بر دارد» (پالمر^۳، ۱۹۷۱: ۱۶۱).

لاینز نیز بر این باور بود: «واژه‌ها در حالت انفرادی با حالت ترکیبی، متفاوت‌اند و توصیف معنایی هریک از واژه‌های هم‌آیند، بدون در نظر گرفتن مجموعه واژه‌های هم‌نشین، امکان‌پذیر نیست» (Lyons, 1977: 261-262).

به طور کلی می‌توان گفت: باهم‌آیی، پدیده‌ای است که تعریفی مشخص و همگانی برای آن وجود ندارد و زبان‌شناسان تعاریف گوناگونی از این پدیده ارائه کرده‌اند که البته این

تعاریف ناشی از نوع نگاه آن‌ها به این پدیده بوده است. تعاریفی مانند: همراهی واژگان، خوشه‌های واژگانی، تداعی واژگانی، زبان کلیشه‌ای، رابطه هم‌نشینی و بسیاری از تعریف‌های دیگر. اما آنچه در بین زبان‌شناسان ایرانی پذیرفته شده است، تعریف یاکوبسن است که باهم‌آیی را عناصر واژگانی می‌داند که وقوع آن‌ها همراه هم، از نظر آماری بسامد زیادی دارد و این بسامد وقوع، تا اندازه‌ای است که نمی‌توان آن را تصادفی دانست (Sung, 2003: 17).

بنابراین در یک نگاه می‌توان باهم‌آیی را این‌گونه تعریف کرد: باهم‌آیی، وقوع دو یا چند واژه در کنار هم یا با فاصله کوتاهی درون یک پیکره زبانی است که از بسامد بالایی برخوردار است به گونه‌ای که نتوان این وقوع را تصادفی دانست.

پژوهشگران معیارهایی مانند: بسامد، جدایی‌پذیری، قابلیت گسترش، سرایت و ویژگی، فاصله و شفافیت را جهت تمایز هم‌آیندها از ترکیبات آزاد، اصطلاحات، و ضرب‌المثل‌ها وضع کرده‌اند. بنابر این معیارها، عباراتی مانند: «یا ایها الذین آمنوا» که جزو ترکیبات آزاد و عبارت «ضرب کفاً بکف» که جزو اصطلاحات به‌شمار می‌رود، باهم‌آیی محسوب نمی‌شوند.

۱-۲- روش تحقیق و جامعه آماری پژوهش

در این پژوهش نخست بیش از ۵۰ باهم‌آیی وصفی و اضافی پربسامد قرآن کریم استخراج و سپس از میان ده ترجمه قرآن که روش‌های نسبتاً مختلفی دارند، ترجمه باهم‌آیی‌های مذکور مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

به‌ناچار از میان ترجمه‌های مختلف قرآن، باید ابتدا سراغ روش‌های مختلف ترجمه قرآن رفت تا از هر روش، یک یا دو ترجمه معروف و مشهورتر انتخاب شود؛ زیرا با توجه به محور اصلی این پژوهش، انتخاب چند ترجمه از یک روش، به احتمال زیاد، نتایج مشابهی خواهد داشت.

در میان ترجمه‌های قرآن‌کریم، روش‌های مختلفی وجود دارد مانند: ترجمه تحت اللفظی، ترجمه تفسیری، ترجمه وفادار یا امین، ترجمه معنایی و ترجمه آزاد (جوهری، ۱۳۸۹: ۵۰)؛ که از میان روش‌های مختلف، ده ترجمه زیر به‌عنوان جامعه آماری این پژوهش انتخاب شد.

۱. فولادوند (وفادار)، ۲. مشکینی (تفسیری)، ۳. صفارزاده (آزاد)، ۴. معزی (تحت‌اللفظی)، ۵. مجتبی (تحت‌اللفظی)، ۶. صفوی (تفسیری)، ۷. حدادعادل (وفادار)، ۸. خرمشاهی (معنایی)، ۹. مکارم‌شیرازی (معنایی)، ۱۰. پورجوادی (آزاد).

از دهه ۱۹۵۰ به بعد، تلاش‌های بسیاری برای تعریف، دسته‌بندی و توصیف انواع باهم‌آیی، به‌ویژه در زبان انگلیسی صورت گرفت. ولی در اکثر قریب به اتفاق این پژوهش‌ها، به این پدیده زبانی، تنها از دیدگاه روابط واژگانی یا برخی روابط دستوری پرداخته شد. بسیاری از پژوهشگران عربی (versteegh, 2006, vol1: 438)، به این پدیده، نگاهی دستوری دارند. ترکیب‌های اسنادی، وصفی، اضافی، فعل + حرف جر، صفت + صفت، فعل + ظرف و ... از زمره این تقسیم‌بندی‌ها به‌شمار می‌رود.

در این مقاله، از میان باهم‌آیی‌های قرآنی، ساخت‌هایی که بیشتر از چهار بار در قرآن‌کریم در قالب ترکیب وصفی یا اضافی آمده و در ترجمه نیز تا حدودی چالش برانگیز است، انتخاب شده است. به‌طور کلی ۲۲ ترکیب وصفی و ۳۰ ترکیب اضافی بررسی شده است. در موارد اندکی برای نشان‌دادن تفاوت‌های ریز و دقیق معنایی و بار عاطفی و معانی جنبی این هم‌آیندها، به برخی از باهم‌آیی‌های کم‌بسامد نیز اشاره شده است.

بدین ترتیب، باهم‌آیی‌های زیر با ذکر بسامد آن در متن عربی قرآن، به‌عنوان جامعه آماری پژوهش، انتخاب و ترجمه تک‌تک آن‌ها از ده ترجمه فوق‌الذکر استخراج و تحلیل شده است:

جدول شماره ۱: باهم آیی های بررسی شده در این پژوهش

ردیف	باهم آیی	نوع ترکیب	بسامد	آدرس
۱	أجل مسمى	وصفی	۲۱	(۲:۲۸۲/ ۶:۲، ۲، ۶۰/ ۱۱:۳/ ۱۳:۲/ ۱۴:۱۰/ ۱۶:۶۱/ ۲۰:۱۲۹/ ۲۲:۵، ۳۳/ ۲۹:۵۳/ ۳۱:۲۹/ ۳۵:۱۳، ۴۵/ ۳۹:۵، ۴۲/ ۴۰:۶۷/ ۴۲:۱۴/ ۷۱:۴)
۲	الدين القيم / ديناً قيماً	وصفی	۵	(۸: ۳۳/ ۱۲: ۴۰/ ۳۰:۳۰، ۴۳/ ۶:۱۶۱)
۳	المسجد الحرام	وصفی	۱۵	(۲۲:۲۵/ ۲: ۱۴۴، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۹۱، ۱۹۶، ۲۱۷/ ۵:۲/ ۸:۷، ۱۹، ۲۸، ۳۴/ ۴۸:۲۵، ۲۷/ ۱۷:۱)
۴	الصراط المستقيم، صراط مستقيم،	وصفی	۳۳	(۱: ۶/ ۲: ۱۴۲، ۲۱۳/ ۳: ۵۱، ۱۰۱/ ۴: ۶۸، ۱۷۵/ ۵: ۱۶/ ۶: ۳۹، ۸۷، ۱۳۶، ۱۵۳، ۱۶۱/ ۷: ۱۶/ ۱۰: ۲۵/ ۱۱: ۵۶/ ۱۵: ۴۱/ ۱۶: ۷۶، ۱۲۱/ ۱۹: ۳۷/ ۲۰: ۱۳۵/ ۲۲: ۵۴/ ۲۳: ۷۳/ ۲۴: ۴۶/ ۳۶: ۴، ۶۱/ ۳۷: ۱۱۸/ ۴۲: ۵۲/ ۴۳: ۴۳، ۶۱، ۶۴/ ۴۸: ۲، ۲۰/ ۶۷: ۲۲)
۵	اليوم الآخر	وصفی	۲۶	(۲: ۸، ۶۲، ۱۲۶، ۱۷۷، ۲۲۸، ۲۳۲، ۲۶۴/ ۳: ۱۱۴/ ۴: ۳۸، ۳۹، ۵۹، ۱۳۶، ۱۶۲/ ۵: ۱۸، ۱۹، ۲۹، ۴۴، ۴۵، ۹۹/ ۲۹: ۳۶/ ۳۳: ۲۱/ ۵۸: ۲۲/ ۶۰: ۶/ ۶۵: ۲)
۶	يوم الأرفة	اضافی	۱	(۴۰: ۱۸)
۷	يوم البعث	اضافی	۲	(۳۰: ۵۶، ۵۶)
۸	يوم الخروج	اضافی	۱	(۵۰: ۴۲)
۹	يوم الخلود	اضافی	۱	(۵۰: ۳۴)
۱۰	يوم الدين	اضافی	۱۳	(۱: ۴/ ۲۶: ۸۲/ ۳۷: ۲۰/ ۳۸: ۷۸/ ۷۰: ۲۶/ ۷۴: ۴۶/ ۸۲: ۱۵، ۱۷، ۱۸/ ۸۳: ۱۱/ ۵۱: ۲/ ۵۶: ۵۶/ ۱۵: ۳۵)
۱۱	يوم التغابن	اضافی	۱	(۶۴: ۹)
۱۲	يوم الفتح	اضافی	۱	(۳۲: ۲۹)
۱۳	يوم الفصل	اضافی	۶	(۷۷: ۱۳، ۱۴، ۳۸/ ۷۸: ۱۷/ ۴۴: ۴۰/ ۳۷: ۲۱)
۱۴	يوم القيامة	اضافی	۷۰	(۲: ۸۵، ۱۱۳، ۱۷۴/ ۳: ۷۷، ۱۶۱، ۱۸۰، ۱۸۵، ۱۹۴/ ۴: ۸۷، ۱۰۹، ۱۴۱، ۱۵۹...)
۱۵	يوم التلاق	اضافی	۱	(۴۰: ۱۵)
۱۶	يوم التناد	اضافی	۱	(۴۰: ۳۲)

۱۷	یوم الوعید	اضافی	۱	(۵۰: ۲۰)
۱۸	یوم عقیم	وصفی	۱	(۲۲: ۵۵)
۱۹	یوم الوقت المعلوم	وصفی - اضافی	۲	(۱۵: ۳۸/ ۳۸: ۸۱)
۲۰	ابن السبیل	اضافی	۸	(۲: ۱۷۷, ۲۱۵/ ۴: ۳۶/ ۸: ۴۱, ۶۰/ ۱۷: ۲۶/ ۳۰: ۳۸ ۵۹: ۷)
۲۱	متمثال ذرة	اضافی	۶	(۴: ۴۰/ ۱۰: ۶۱/ ۳۴: ۳, ۲۲/ ۹۹: ۷, ۸)
۲۲	حدود الله	اضافی	۱۲	(۲: ۱۸۷, ۲۳۰, ۲۲۹/ ۴: ۱۳/ ۸: ۱۱۲/ ۵۸: ۴/ ۶۵: ۱/ ۲: ۲۳۰)
۲۳	تحریر رقیة	اضافی	۵	(۴: ۹۲/ ۵: ۸۹/ ۵۸: ۳)
۲۴	حق الیقین	اضافی	۲	(۵۶: ۹۵/ ۶۹: ۵۱)
۲۵	علم الیقین	اضافی	۱	(۱۰۲: ۵)
۲۶	عین الیقین	اضافی	۱	(۱۰۲: ۷)
۲۷	خطوات الشیطان	اضافی	۵	(۲: ۱۶۸, ۲۰۸/ ۶: ۱۴۲/ ۲۴: ۲۱)
۲۸	دار الآخرة	اضافی	۲	(۱۶: ۳۰/ ۱۲: ۱۰۹)
۲۹	الدار الآخرة	وصفی	۷	(۲: ۹۴/ ۶: ۳۲/ ۷: ۱۶۹/ ۲۸: ۷۷, ۸۳/ ۲۹: ۶۴/ ۳۳: ۲۹)
۳۰	روح القدس	اضافی	۴	(۲: ۸۷, ۲۵۳/ ۵: ۱۱۰/ ۱۶: ۱۰۲)
۳۱	سبیل الله	اضافی	۶۵	(۲: ۱۵۴, ۱۹۰, ۱۹۵, ۲۱۷, ۲۱۸, ۲۴۴, ۲۴۱, ۲۶۱, ۲۶۲, ۲۷۳/ ۳: ۱۳, ۹۹, ۱۴۶, ۱۵۷, ۱۶۷, ۱۶۹/ ۴: ۷۴, ۷۵, ...
۳۲	شعائر الله	اضافی	۴	(۲: ۱۵۸/ ۵: ۲/ ۲۲: ۳۲, ۳۶)
۳۳	أصحاب الأیكة	اضافی	۴	(۲۶: ۱۷۶/ ۳۸: ۱۳/ ۵۰: ۱۴/ ۱۵: ۷۸)
۳۴	أصحاب الجحیم	اضافی	۶	(۲: ۱۱۹/ ۵: ۱۰, ۸۶/ ۹: ۱۱۳/ ۲۲: ۵۱/ ۵۷: ۱۹)
۳۵	أصحاب الجنة	اضافی	۱۴	(۲: ۸۲/ ۷: ۴۲, ۴۴, ۴۶, ۵۰/ ۱۰: ۲۶/ ۱۱: ۲۳/ ۲۵: ۲۴/ ۳۶: ۵۵/ ۴۶: ۱۴, ۱۶/ ۵۹: ۲۰/ ۶۸: ۱۷)
۳۶	أصحاب النار	اضافی	۲۰	(۲: ۳۹, ۸۱, ۲۱۷, ۲۵۷, ۲۷۵/ ۳: ۱۱۶/ ۵: ۲۹/ ۷: ۳۶, ۴۴, ۴۷, ۵۰/ ۱۰: ۲۷/ ۱۳: ۵/ ۳۹: ۸/ ۴۰: ۶, ۴۳/ ۵۸: ۱۷/ ۵۹: ۲۰/ ۶۴: ۱۰/ ۷۴: ۳۱)
۳۷	أصحاب الیمین	اضافی	۶	(۵۶: ۲۷, ۲۸, ۳۸, ۹۰, ۹۱/ ۷۴: ۳۹)
۳۸	ملة إبراهيم حنیفاً	وصفی - اضافی	۵	(۲: ۱۳۵/ ۳: ۹۵/ ۴: ۱۲۵/ ۶: ۱۶۱/ ۱۶: ۱۲۳)

۳۹	اثماً مبیناً	وصفی	۱	(۴:۲۰, ۵۰, ۱۱۲)
۴۰	سلطان مبین/سلطاناً مبیناً	وصفی	۱۲	(۴:۹۱, ۱۴۴, ۱۵۳/ ۱۱:۹۶/ ۱۴:۱۰/ ۲۳:۴۵/ ۲۷:۲۱/ ۳۷:۱۵۶/ ۴۰:۲۳/ ۴۴:۹۱/ ۵۱:۳۸/ ۵۲:۳۸)
۴۱	عدو مبین/عدواً مبیناً	وصفی	۱۰	(۲:۱۶۸, ۲۰۸/ ۴:۱۰۱/ ۱۷:۵۳/ ۶:۱۴۲/ ۷:۲۲/ ۱۲:۵/ ۲۸:۱۵/ ۳۶:۶۰/ ۴۳:۶۲)
۴۲	خسران مبین	وصفی	۳	(۴: ۱۱۹/ ۲۲: ۱۱/ ۳۹: ۱۵)
۴۳	نوراً مبیناً	وصفی	۳	(۴: ۱۷۴/ ۵:۱۵/ ۲۴:۱۲)
۴۴	ضلال مبین	وصفی	۱۸	(۲: ۱۶۴/ ۶:۷۴/ ۷:۶۰/ ۱۲: ۵, ۸, ۳۰/ ۱۹:۳۸/ ۲۶:۹۷/ ۲۸:۸۵/ ۳۱:۱۱/ ۳۴:۲۴/ ۳۶:۲۴, ۴۷/ ۳۹:۲۲/ ۴۳:۴۰/ ۴۶:۳۲/ ۶۱:۲/ ۶۷:۱۶)
۴۵	کتاب مبین	وصفی	۷	(۵:۱۵/ ۶:۵۹/ ۱۰:۶۱/ ۱۱:۶/ ۲۷:۱, ۷۵/ ۳:۳۴)
۴۶	سحر مبین	وصفی	۹	(۵:۱۱۰/ ۶:۷/ ۱۰:۷۶/ ۱۱:۷/ ۲۷:۱۳/ ۳۴:۴۳/ ۳۷:۱۵/ ۴۶:۷/ ۶۱:۶)
۴۷	نذیر مبین	وصفی	۱۱	(۷:۱۸۴/ ۱۱:۲۵/ ۲۲:۴۹/ ۲۶:۱۱۵/ ۲۹:۵۰/ ۳۸:۷۰/ ۴۶:۹/ ۵۱:۵۰, ۵۱/ ۶۷:۹/ ۷۱:۲)
۴۸	قرآن مبین	وصفی	۲	(۱۵:۱/ ۳۶:۶۹)
۴۹	امام مبین	وصفی	۲	(۱۵:۷۹/ ۳۶:۱۲)
۵۰	خصیم مبین	وصفی	۲	(۳۶:۷۷/ ۱۶:۴)
۵۱	لسان عربی مبین	وصفی		(۱۶:۱۰۳/ ۲۶:۱۹۶)
۵۲	رسول مبین	وصفی	۲	(۴۳:۲۹/ ۴۴:۱۳)
۵۳	أهل القرى	اضافی	۵	(۷: ۹۶, ۹۷, ۹۸/ ۱۲: ۱۰۹/ ۵۹: ۷)
۵۴	أهل الكتاب	اضافی	۳۱	(۲: ۱۰۵, ۱۰۹/ ۳: ۶۴, ۶۵, ۶۹, ۷۰, ۷۱, ۷۲, ۷۵, ۹۸, ۹۹, ۱۱۰, ۱۱۳, ۱۱۹/ ۴: ۱۲۳, ۱۵۳, ۱۵۹, ۱۷۱/ ۵: ۱۵, ۱۹, ۵۹, ۶۵, ۶۸, ۷۷/ ۲۹: ۴۶/ ۳۳: ۲۶/ ۵۷: ۲۹/ ۵۹: ۲, ۱۱/ ۹۸: ۱, ۶)
۵۵	الشهر الحرام	وصفی	۵	(۲: ۱۹۴, ۲۱۷/ ۵: ۲, ۹۷)

۱-۳- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری در دوران اخیر، به بررسی نقش باهم‌آیی در ترجمه پرداخته‌اند. هرچند بسیاری از این پژوهش‌ها در حوزه ادبیات داستانی بوده است ولی پژوهش‌هایی در حوزه ترجمه قرآن‌کریم نیز صورت گرفته که پس از مشاهده ۲۰ مورد از این پژوهش‌ها، در ادامه به چهار مورد اشاره می‌شود.

۱- روزگار (۱۳۹۰) در پایان نامه خود تحت عنوان «استراتژی‌های به‌کار رفته در ترجمه باهم‌آیی‌های لغوی قرآن‌کریم» به بررسی استراتژی‌های به‌کار رفته در ترجمه باهم‌آیی‌های لغوی قرآن‌کریم در هفت ترجمه انگلیسی قرآن پرداخته است. وی پربسامدترین و کم‌بسامدترین روش در ترجمه باهم‌آیی‌های قرآنی، به انگلیسی و استراتژی‌های مغفول در ترجمه آن را مورد بررسی قرار داده است.

۲- بوقدح (۲۰۰۸) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان: «ترجمة المتلازمات اللفظية الى اللغة الفرنسية، الربع الأول من القرآن الكريم أنموذجاً، دراسة تحليلية نقدية» به بررسی این پدیده زبانی و نقش آن در ترجمه قرآن‌کریم از زبان عربی به فرانسه پرداخته است.

۳- قریشی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «میزان هماهنگی در تکرار برخی از واژگان و ترکیبات هم‌آیند قرآن و ترجمه آن‌ها» به ارزیابی دو ترجمه انگلیسی قرآن‌کریم از آربری و یوسف‌علی می‌پردازند.

نویسندگان در پایان و ضمن بررسی چند مورد محدود از باهم‌آیی‌های قرآنی، به این نتیجه رسیده‌اند که آربری در ترجمه واژگان و ترکیبات هم‌آیند گروه دوم در مقایسه با گروه اول، از تعداد معادل‌های کمتری استفاده کرده است.

۴- کفاش‌رودی (۱۳۹۴) و همکاران در مقاله «خطاهای هم‌آیندها در ترجمه قرآن‌کریم» به تجزیه و تحلیل خطاهای هم‌آیندی از طریق مدل کوردور در چهار ترجمه انگلیسی قرآن‌کریم پرداخته است. آن‌ها خطاهای مذکور را در سه دسته هم‌آیندهای رایج و پذیرفته

شده، ساختارهای نامناسب و عدم استفاده از هم‌آیند، تقسیم‌بندی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که برخی از مترجمان، توانایی کمی در استفاده مناسب از هم‌آیندها در زبان انگلیسی دارند و بهترین ترجمه از بین ترجمه‌های مورد بررسی در این پژوهش از لحاظ استفاده از هم‌آیندها، به ایروینگ اختصاص دارد.

در ادامه سعی می‌شود ضمن ارائه یک تقسیم‌بندی از چالش‌های پیش‌روی مترجمان در ترجمه باهم‌آیی‌های قرآنی، به سوالات تحقیق پاسخ داده شود.

۲- نقش باهم‌آیی در ترجمه فارسی قرآن کریم

۲-۱- ترجمه‌های مختلف از باهم‌آیی‌های همسان در قرآن

معادل‌یابی در ترجمه، کاری لازم، دقیق و طاقت فرساست و همسان‌سازی معادل‌های کلمات، کاری دشوارتر، ولی به هر حال، ضروری است؛ چرا که این همسان‌سازی نظم کلمات و آیات و همگونی آن‌ها را در ترجمه منعکس می‌کند و یکی از نقدهایی که معمولاً به ترجمه‌ها زده می‌شود، عدم رعایت این قاعده است. ترجمه یک باهم‌آیی در جای‌جای متن قرآن به صورت واحد، نشان از دقت مترجم از یک سو و انسجام ترجمه از سوی دیگر است.

یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی که تاکنون مترجمان بدان توجه کافی نکرده‌اند، همین یکسانی و هماهنگی در برگرداندن باهم‌آیی‌های یکسان در قرآن است که مترجم نباید بدون دلیل، باهم‌آیی‌های یکسان در زبان مبدأ را به گونه‌های ناهمسان و چه بسا متخالف در زبان مقصد ترجمه کند و «شایسته آن است که مترجم یا گروه مترجمان، پیش از انشای ترجمه خود، دست‌کم به مشابهاات شایع و اساسی قرآن احاطه یابند تا در هر قدم از کار خود بدانند که نظیر این سیاق یا تعبیر قرآنی را در موارد دیگر چگونه ترجمه کرده‌اند» (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۱).

خرمشاهی نیز بدین مهم اشاره کرده است که «آیات و عبارات یکسان و مشابه- به شرط آن که معنای همسان یا همانند داشته باشند- الزامی است که همسان و مشابه ترجمه شود» (خرمشاهی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۹۹).

برای نمونه می‌توان به باهم‌آیی «الیوم الآخر» (بسامد: ۲۶) در قرآن اشاره کرد. مکارم‌شیرازی ترجمه‌های «روز رستاخیز» (نه مورد)، «روز قیامت» (شش مورد)، «روز بازپسین» (چهار مورد)، «روز دیگر» (یک مورد: آل‌عمران/ ۱۱۴)، «روز جزا» (سه مورد)، «روز واپسین» (یک مورد) را از باهم‌آیی «الیوم الآخر» ارائه کرده است. حال آن‌که «امانتداری در ترجمه و تلاش برای ارائه برگردانی که - تا حد ممکن - حداکثر شباهت به قرآن را واجد باشد، اقتضا می‌کند که در ترجمه قرآن، مشابهات قرآن را از جهات مختلف بجوییم و یکسان ترجمه کنیم، چرا که این‌ها در اصل قرآن یکسان‌اند» (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۵).

در ترجمه‌های مختلفی که مکارم‌شیرازی از «الیوم الآخر» ارائه کرده است، «روز دیگر»، از ترجمه‌های کژتاب است؛ زیرا ترجمه مذکور، ترجمه عبارت «الیوم الآخر» است. ترجمه‌های دیگر نیز که باید یکسان باشد، بسیار مشوش و متغایر است و به جز «روز بازپسین» و «روز واپسین» تقریباً هیچ اشاره‌ای به بار معنایی واژه «آخر» ندارد.

مترجمان دیگر نیز از این قاعده مستثنی نیستند و فقط خرمشاهی از این باهم‌آیی، ترجمه یکسان «روز بازپسین» را در سراسر قرآن ذکر کرده و حدادعادل نیز به جز یک مورد که در آیه ۲۱ سوره احزاب، عبارت «روز قیامت» را به کار برده است، بقیه موارد را به صورت همسان به «روز بازپسین» ترجمه کرده است. البته خرمشاهی می‌کوشد در ترجمه عبارات یکسان، وحدت را رعایت کند و این یکی از نقاط قوت ترجمه خرمشاهی به‌شمار می‌رود.

در میان ترجمه‌های مورد بررسی، ترجمه حدادعادل از نظر برخورد با باهم‌آیی‌ها شباهت بسیاری با ترجمه خرمشاهی دارد. حدادعادل کوشیده است ترجمه‌هایی یکسان از باهم‌آیی‌های تکراری قرآن ارائه دهد که به‌نظر می‌رسد این امر از روی صدفه و اتفاق نیست؛ بلکه مترجم، این امور را در ترجمه مدنظر داشته است. ولی رنگ و بوی تقید به زبان فارسی در ترجمه حدادعادل چشمگیرتر است. مثلاً وی باهم‌آیی «أصحاب الیمین» را در سرتاسر قرآن به صورت «نیک‌بختان» ترجمه کرده است؛ حال آن‌که خرمشاهی آن را به همان صورت «اصحاب یمین» در ترجمه آورده است و یا عبارت «علم الیقین» را حدادعادل

به صورت «دانستنی یقینی» و عبارت «عین یقین» را «دیدنی یقینی» و عبارت «حق یقین» را «حقیقتی یقینی» آورده ولی خرمشاهی همه این‌ها را به‌همان صورت عربی آورده است. در میان دیگر مترجمان، پربسامدترین ترجمه صفارزاده از عبارت «الیوم الآخر»، «روز قیامت» است. معزی نیز ترجمه لفظ به لفظ «روز آخر» را به‌کار برده است. هر چند تفاوت بین این ترجمه‌ها چندان فاحش نیست، البته به استثنای مواردی مانند «روز دیگر»، ولی مترجمان هیچ دلیل قانع‌کننده و موجهی برای این‌کار ندارند و هرچند طبق نظر مفسران، مراد از «الیوم الآخر» در قرآن همان روز قیامت است و این تعبیر نیز به‌نوعی به این روز اشاره دارد ولی به گفته کریمی‌نیا «این ترجمه‌های ناهمسان و چه بسا متخالف افزون بر این‌که تنوعی بی‌دلیل است، سبک یکنواخت بیان را بر هم می‌زند و ناگاه نثر واحدی را از اوج فخامت به حضيض ابتذال فرو می‌آورد» (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۶).

شاهد دیگر، ترجمه‌های مختلفی است که از باهم‌آیی «أجل مسمی» (بسامد: ۲۱) ارائه شده است. فولادوند از این باهم‌آیی، ترجمه‌های «اجل حتمی»، «سررسیدی معین»، «زمانی معین»، «وقتی معین»، «مدتی معین»، «وقت معلومی»، «هنگامی معین»، «سرآمدی معین» و «مدتی که مقرر است» را ارائه کرده است. شاید در نگاه نخست، این سوال به ذهن متبادر شود که این عبارت در بافت‌های مختلفی به‌کار رفته است، پس چگونه می‌توان از آن یک ترجمه یکسان ارائه کرد؟ در پاسخ باید گفت: اولاً این باهم‌آیی‌ها در قرآن یکسان است و در متن فارسی ترجمه قرآن هم می‌تواند یکسان باشد، ثانیاً: علی‌رغم تنوع بسیار در این ترجمه‌ها، برخی از آن‌ها بسیار به هم نزدیک است و مترجم به راحتی می‌تواند آن را یکسان ترجمه کند؛ ولی ظاهراً وی با این پدیده زبانی آشنا نبوده و آن را به‌عنوان یک واحد ترجمه نشناخته است، ثالثاً: برخی از مترجمان از قبیل معزی، باهم‌آیی مذکور را در سراسر قرآن به‌صورت «سرآمدی نامبرده» ترجمه کرده است. ولی بقیه مترجمان، ترجمه‌های مختلفی از این باهم‌آیی ارائه کرده‌اند.

در مورد ترجمه یکسان معزی از این ترکیب، اشاره به این نکته ضروری می‌نماید که اساساً ترجمه‌های تحت‌اللفظی در معادل‌یابی برای باهم‌آیی‌های قرآنی دقت نظر بیشتری داشته‌اند؛ لذا تنوع در ترجمه یک باهم‌آیی یکسان در اینگونه ترجمه‌ها کمتر به چشم می‌خورد.

معزی در ترجمه خود، عبارت‌های «مَثَقَالَ ذَرَّةٍ»، «أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ»، «الدار الآخرة»، «يوم الحساب»، «يوم الدين»، «أجل مسمى»، «اليوم الآخر»، «الحياة الدنيا»، «ضلال مبين»، «عدو مبين»، «كتاب مبين»، «سحر مبين»، «نذير مبين» را که از بسامد بالایی در قرآن برخوردار است، تقریباً هریک را به صورت یکسان ترجمه کرده و از کمترین افزوده‌های تفسیری برای توضیح آن استفاده نموده است. این هماهنگی در هیچ‌کدام از ترجمه‌های دیگر- به استثنای ترجمه‌های خرمشاهی و حدادعادل که سعی در هماهنگی این برابرنهاده‌ها داشته‌اند- به چشم نمی‌خورد. بدون شک این هماهنگی به سبک ترجمه معزی یعنی ترجمه تحت‌اللفظی برمی‌گردد. به‌طور کلی ترجمه‌های تحت‌اللفظی در برابریابی، از دقت بیشتری برخوردارند، بر خلاف ترجمه‌های تفسیری که در این میان به افزوده‌های تفسیری تکیه کرده و لذا تنوع ترجمه‌های آن‌ها از یک باهم‌آیی در قرآن به کثرت به چشم می‌خورد. آن‌ها دغدغه محدودیت الفاظ و کلمات را در ترجمه خود احساس نکرده‌اند، تا خود را ملزم به برابرنهاده‌ای کوتاه و رسا کنند؛ بلکه هرگاه در تنگنا قرار گرفته‌اند، دست به دامن افزوده‌های تفسیری شده‌اند. امانی و همکاران این امر را از نقاط قوت ترجمه‌های تحت‌اللفظی برشمرده و گفته‌اند: «ترجمه‌های تحت‌اللفظی از میان موارد یاد شده، یکسان‌سازی در ترجمه اسم را رعایت می‌کنند که این مسأله می‌تواند از نقاط قوت این ترجمه‌ها به حساب آید» (امانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۸).

بنابراین منظور ما با ذکر همین نمونه‌ها روشن شد و آن این‌که، مترجمان قرآنی باید به پدیده باهم‌آیی به‌عنوان یک واحد ترجمه نگاه کرده و سعی کنند تا جایی که امکان دارد، از این باهم‌آیی‌های مکرر، ترجمه‌هایی یکسان ارائه کنند؛ زیرا نه تنها این کار باعث رعایت

حفظ اصل و وحدت رویه در ترجمه فارسی قرآن خواهد شد، بلکه به نوعی به انسجام متن نیز کمک می‌کند.

شایان ذکر است که مشکینی در ترجمه این با هم‌آیی، عبارت «مدتی معین» را بسیار به‌کار برده ولی هر بار با اضافه‌های تفسیری گاهاً طولانی آورده است، مانند «مدتی معین (اجلی که بر هر زنده‌ای به طبع اولی نوشته شده)» یا «وقت معینی (که در علم ازلی او گذشته و در لوح محفوظ ثابت است)» و با این افزوده‌های تفسیری از شیوایی ترجمه کاسته و مخل روان‌خوانی و خوش‌خوانی ترجمه شده است.

البته باید توجه داشت که در ترجمه‌های معاصر قرآن‌کریم به زبان فارسی، استفاده از تکنیک بسط به میزان قابل توجهی گسترش یافته است و این امر می‌تواند ناشی از رویکرد تفسیرگرایانه مترجمان معاصر شیعه براساس باورهای مذهبی و مبانی شیعی آن‌ها باشد. در ترجمه‌های قدیمی‌تر، اما این رویکرد تفسیرگرایانه بسیار کم‌رنگ است؛ چون ترجمه‌های قدیمی، بیشتر تحت‌اللفظی است.

از طرفی افزوده‌های تفسیری در هر باهم‌آیی با موارد پیشین متفاوت است و در آیه‌های مختلف، افزوده‌های متفاوتی داخل پرانتز قرار گرفته است. برای نمونه ترجمه باهم‌آیی «أصحاب الأیة» را که در قرآن کریم چهار بار تکرار شده، از ترجمه مشکینی انتخاب کردیم. وی در آیه ۷۸ سوره حجر آورده است: «اهالی ایکه (سرزمین درختان انبوه درهم پیچیده، مسکن قوم شعیب)»، در آیه ۱۳ سوره ص: «اصحاب ایکه (قوم شعیب صاحبان بیشه)» و در آیه ۱۴ سوره ق: «ساکنان آن سرزمین خرم و پر درخت (قوم شعیب)» و در آیه ۱۷۶ سوره شعراء تنها به عبارت: «مردم ایکه» بسنده کرده است. مترجم در اینگونه موارد می‌تواند در صورتی که اصرار بر ذکر افزوده تفسیری دارد، حداقل افزوده تفسیری یکسانی را برای همه موارد انتخاب کند.

کریمی‌نیا، علت آشفتگی در ترجمه عبارات یکسان به صورت‌های مختلف را ناشی از شتاب مترجمان در ترجمه می‌داند ولی این علت را نمی‌پذیرد و آنان را شایسته بازخواست

می‌داند: «یک علت برای عدم رعایت یکسانی و هماهنگی در ترجمه قرآن، شتاب مترجمان در کار و ناآگاهی از مواضع جملات و آیات مشابه است... کسانی که بر آیات مشابه قرآن و انواع هماهنگی‌های آن، احاطه کافی ندارند یا فرصت و توان مراجعه به المعجم المفهرس الفاظ و ادوات و حروف قرآن ندارند و واژه‌ای تک‌معنا یا ترکیبات، جمله‌ها و آیات نظیر را به گونه‌های مختلف ترجمه می‌کنند، درکار خود موجه و دور از بازخواست نیستند» (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۲۳۹).

پژوهش حاضر اما به این نتیجه رسیده است که دلیل اصلی ترجمه‌های مختلف از باهم‌آیی‌های یکسان در قرآن کریم، عدم شناخت مترجمان از پدیده باهم‌آیی است. از آن‌جا که برخی از پژوهشگران مانند توبرت^۴ و چرماکوا^۵؛ واژه‌ها، باهم‌آیی‌ها و اصطلاح‌ها را واحدهای معنایی در ترجمه در نظر می‌گیرند و آن‌ها را اصطلاحاً «واحدهای ترجمه» می‌نامند (۲۰۰۴: ۱۵۳-۱۵۱)، اگر مترجمان قرآنی نیز به این پدیده زبانی به چشم یک واحد ترجمه نگاه کنند، دیگر با این مشکل مواجه نخواهند شد.

به‌طور کلی، مترجمان باید در ترجمه ساخت‌ها و باهم‌آیی‌های قرآنی، معادلیابی دقیق، از پیش انجام دهند و براساس آن، سراسر ترجمه، یکسان‌سازی شود.

۲-۲- ترجمه واحد از باهم‌آیی‌های مختلف در قرآن

گاهی یک کلمه در قرآن، با هم‌آیندهای مختلفی به کار رفته است لیکن این باهم‌آیی‌ها از نظر دلالتی، دربردارنده تفاوت‌هایی است که معمولاً مترجمان با این باهم‌آیی‌های مختلف در ترجمه، برخورد یکسانی داشته‌اند. از جمله این باهم‌آیی‌های قرآنی، ترکیب‌های مختلفی است که بر روز قیامت دلالت دارد. مثلاً باهم‌آیی‌های «یوم الآزفة»، «یوم البعث»، «یوم الجمع»، «یوم الحسرة»، «یوم الدین»، «یوم الفصل»، «یوم القيامة» و «یوم التلاق» را پورجوادی به‌صورت «روز قیامت» ترجمه کرده است. البته این امر به یک مترجم خاص اختصاص ندارد و بسیاری از مترجمان، این ترکیب‌های گوناگون را یکسان ترجمه کرده‌اند.

این ترکیب‌های مختلف که همگی بر روز قیامت دلالت دارد، در عین وحدت مفهومی، معنای خاصی را می‌رساند که شایسته است مترجم این تفاوت دلالتی را مدنظر قرار داده و تا حد امکان آن را در ترجمه خود لحاظ کند و بهترین معادل را برای آن در نظر بگیرد؛ زیرا بی‌شک این تعبیرهای مختلف از روز قیامت هدفمند بوده است. طبق گفته فرحات: «هر چند ممکن است این اصطلاحات بسیار، از جهت دلالت بر یک ذات واحد با یک‌دیگر همسان باشند، ولی از نظر صفت‌های مختلف، تکمیل‌کننده یک‌دیگرند و انبوه این اصطلاحات بر این امر حکایت دارد که امور غیبی‌ای که ادراک آن از طریق حواس پنج‌گانه میسر نیست، نیازمند این توصیفات متعدد است تا آن را به تصور نزدیک کند» (فرحات، ۲۰۰۵: ۴۷). بنابراین این ترکیب‌های مختلف قرآنی، بدین منظور است تا تصویری کامل و روشن از این روز بزرگ در ذهن بشر نقش بندد و چنانچه مترجم با این ترکیب‌ها، برخورد یکسانی داشته باشد، این مهم در ترجمه قرآن مفقود خواهد بود.

برخی از مترجمان نیز تلاش کرده‌اند هر یک از ترکیب‌ها را به‌گونه‌ای ترجمه کنند که معنای خاص آن ترکیب را -متفاوت با سایر ترکیب‌ها- به زبان فارسی منتقل کنند که در بیشتر موارد دست به دامان افزوده‌های تفسیری شده‌اند و کوشیده‌اند با یک جمله بلند یا چند جمله، معنای خاص یک ترکیب را برسانند. صفوی در ترجمه «یوم الفصل» در آیه ۲۱ صافات آورده است: «روز جدایی که با داوری خداوند حق از باطل و مجرمان از مؤمنان جدا می‌شوند» و در جایی دیگر «روز قیامت که روز جداسازی حق از باطل و تمایز تقوایبندگان از مجرمان است» (دخان/ ۴۰) و موارد دیگری از این قبیل که در ترجمه مشکینی و صفوی زیاد است. این افزوده‌های تفسیری، علاوه بر این‌که متن را از روانی و خوش‌خوانی انداخته است، به تفسیر نزدیک‌تر است تا ترجمه. از طرفی نیز، هر کدام از این باهم‌آیی‌های قرآنی بار عاطفی یا معنایی خاص خود را دارند که بدون در نظر گرفتن این امور، حجم بسیاری از دلالت‌های یک ترکیب منتقل نمی‌شود. بنابراین شایسته و بلکه بایسته است که مترجمان قرآنی، این معانی را نیز در نظر گرفته و در ترجمه لحاظ کنند و تا

حد ممکن تلاش کنند ظاهر آیه‌های قرآنی را آنگونه که هست، به فارسی برگردانند که البته لازمه امانت در ترجمه نیز همین است؛ چرا که حتی یک عرب‌زبان نیز وقتی باهم‌آیی «یوم الفصل» را می‌بیند، بی‌شک خود او نیز برای این که بداند منظور از این «روز جدایی»، جدایی چه کسانی از یک‌دیگر است، نیاز به تفسیر دارد؛ زیرا این عبارت در متن اصلی قرآن نیز به همین صورت به کار رفته است. بنابراین ترجمه صفوی از «یوم الفصل»: «روز قیامت که روز جداسازی حق از باطل و تمایز تقوای پیشگان از مجرمان است»، تفسیر است نه ترجمه، حال آن‌که یکی از اهداف ترجمه قرآن کریم، ارائه متنی به فارسی است که در تمام اوصاف، تا حد ممکن، بیشترین شباهت را به اصل متن قرآن داشته باشد.

البته «شایسته است مترجم بین باهم‌آیی‌های عادی و غیرعادی تفاوت بگذارد؛ زیرا برخی از باهم‌آیی‌های غیرعادی در پی ایجاد تأثیری خاص در ذهن مخاطب است. مثلاً باهم‌آیی «دم کذب» در سوره یوسف، یک باهم‌آیی غیرعادی به‌شمار می‌رود؛ چون اهل زبان معمولاً توقع دارند بعد از کلمه «دم» یکی از باهم‌آیی‌های «أحمر»، «قان»، «سائل» یا «منبثق» بیاید. بنابراین باهم‌آیی کلمه «کذب» و «دم»، یک نوع استخدام مجازی است؛ یعنی از کاربرد مألوف آن خارج شده تا دلالت یا بار معنایی خاصی برساند (عطا‌الیاس، الملحق ۳: ۶).

۲-۳- ترجمه تحت‌اللفظی باهم‌آیی‌های عربی متداول در فارسی

بسیاری از باهم‌آیی‌های قرآنی به‌همان صورت و ریخت عربی از دیرزمان وارد زبان فارسی شده و بین فارسی‌زبانان مرسوم و متداول است و ترجمه تحت‌اللفظی آن، نه تنها نمی‌تواند در درک و فهم متن قرآنی به مخاطب فارسی زبان کمک کند، بلکه باعث پیچیدگی و غموض متن فارسی ترجمه قرآن هم شده است. خرمشاهی در مورد ترجمه برخی از واژگان عربی قرآنی به زبان فارسی نیز همین نظر را دارد: «بنده در نقد مفصل خود بر ایشان در مورد این‌گونه عدول‌ها که مثلاً «سدرۃ الممتهی» را به «سدره پایانه» ترجمه کرده بود و صدها مورد دیگر به حق ایراد گرفتیم که إلا و لابد و به الزام، مسئولیت اصلی و اولی ترجمه قرآن که

رسایی بیان و رسانایی پیام و حیانی است، باید همان کاربردهای قرآنی را به کار برد» (خرمشاهی، ۱۳۸۹: ۳۱۸).

در ترجمه برخی از باهم آیی های قرآنی، مترجمانی هستند که کوشیده اند باهم آیی هایی را که در زبان فارسی، معمول و رایج است و عین آن در فرهنگ مسلمانی و بلکه عرفی ما، جز با همان معنای عربی آن معروفیت و مقبولیت و مفهومیت ندارد، به برابرنهاده های فارسی برگردانند. چنان که معزی ترکیب «الشهر الحرام» را به صورت «ماه ارجمند» (بقره/ ۱۹۴) ترجمه کرده یا عبارت «مسجد الحرام» را به «مسجد حرام» (بقره/ ۲۱۷؛ حج/ ۲۵) برگردانده است؛ در حالی که دیگر مترجمان قرآنی مانند مکارم، فولادوند، مشکینی، مجتبیوی، صفارزاده، صفوی، حدادعادل، خرمشاهی و پورجوادی آن را به ترتیب به «ماه حرام» و «مسجد الحرام» ترجمه کرده اند. از لحاظ واژگانی و هم آیندی، ترکیب «ماه ارجمند» و «مسجد حرام» روا نیست؛ زیرا این دو ترکیب به صورت ماه حرام، ماه های حرام و ترکیب مسجد الحرام در بین عموم مردم فارسی زبان، متداول است و حتی مردم عامه نیز با این ترکیب ها آشنا هستند و نیازی به ترجمه یا برگردان آن به زبان فارسی نیست و یا به قول خرمشاهی «بسیار بی حکمتی می خواهد که کلمات معنی دار و زنده را به کلماتی مرده و مهجور که ذوق اهل زبان و ذائقه طبیعی آن ها را وانهاده تا مهجور شده اند، تبدیل کنیم» (خرمشاهی، ۱۳۸۹: ۳۱۹).

نمونه دیگر باهم آیی، «البیت الحرام» در آیه دوم سوره مائده است که معزی آن را به صورت «خانه حرام» ترجمه کرده است، در صورتی که باهم آیی عربی آن یعنی ترکیب «البیت الحرام» در فارسی معروف و متداول است و بسیاری از مترجمان آن را به صورت «بیت الحرام» ترجمه کرده اند. از طرفی دیگر، این یک اسم خاص است که اساساً نیاز به ترجمه ندارد.

باهم آیی «حق الیقین» مورد دیگری است که مترجمان با آن برخوردهای متفاوتی داشته اند، حال آن که خود این اصطلاح، بین مردم متداول است و برخی از مترجمان نیز آن را به صورت «حق الیقین» ترجمه کرده اند به طوری که خرمشاهی در هر دو مورد تکرار آن

در قرآن و حدادعادل در آیه ۵۱ سوره حاقه آن را به همان شکل عربی ترجمه کرده‌اند. فولادوند آن را به صورت «حقیقتی یقینی» و «حقیقتی راست [و] یقین»؛ مکارم به صورت «یقین خالص» و «حق و یقین»؛ معزی آن را به صورت «حق یقین»؛ مشکینی به صورت «حق و حقیقت یقینی» و «حق یقینی و غیرقابل شک»؛ مجتبوی به صورت «حق یقین» و «بی‌گمان و درست»؛ پورجوادی به صورت «حق و یقین» و «حقیقت یقین»؛ حدادعادل به صورت «حق یقین» و «حقیقتی یقینی» و صفوی به صورت «راست و درست که هیچ شک و تردیدی در آن نیست» ترجمه کرده‌اند. حال آن‌که این اصطلاح در بین متصوفه بسیار رایج است و از آن مجرا به فارسی معیار رسوخ کرده است. متصوفه، یقین را دارای سه مرحله می‌دانند که عبارت است از: علم یقین، عین یقین و حق یقین، بنابراین، این اصطلاحی مشهور در بین آن‌ها به‌شمار می‌رود و عامه مردم نیز با این اصطلاح آشنا هستند. دو اصطلاح «علم یقین» و «عین یقین» هرکدام تنها یک بار در قرآن کریم آمده است. این اصطلاحات نیز، از اصطلاحات معروف بین فارسی‌زبانان است و ترجمه تحت‌اللفظی آن، بار معنایی آن را نمی‌تواند به دوش بکشد. به‌عنوان مثال، «علم یقین» را «دانستن یقین» (معزی)، «دانستن بی‌گمان» (مجتبوی)، «یقین کامل» (صفارزاده)، «دانستن یقینی» (حدادعادل) ترجمه کرده‌اند؛ در حالی که اصل اصطلاح، در فارسی نیز از باهم‌آیی‌های معروف به‌شمار می‌رود و آقایان فولادوند، مکارم، مشکینی و خرماشاهی، آن را به‌همان شکل عربی در متن فارسی آورده‌اند. ترجمه «عین یقین» به «دیده یقین» (مجتبوی)، «یقین عینی و ملموس» (صفارزاده)، «دیدنی یقینی» (حدادعادل)، «مشاهده یقین» (صفوی) و «چشم یقین» (پورجوادی)، ترجمه‌ای تحت‌اللفظی است که نمی‌تواند بار معنایی «عین یقین» را منتقل کند زیرا وقتی مخاطب عبارت «عین یقین» را می‌بیند با توجه به تجربه زبانی خود درمی‌یابد که این یکی از مرتبه‌های سه‌گانه یقین یعنی: علم یقین، عین یقین و حق یقین است و عین یقین مرحله میانی است؛ ولی مطمئناً ترکیب‌های «مشاهده یقین»، «چشم یقین»، «دیده یقین» این مراتب سه‌گانه یقین را یادآوری نمی‌کند.

در برخی از موارد نیز، مترجمان سعی کرده‌اند یک ترکیب را به صورت گرتنه‌برداری یا ترجمه بخشی از ترکیب عربی و استفاده از بخش دیگر عربی آن، معادلی مناسب برای یک باهم‌آیی قرآنی بیاورند؛ ولی به نظر می‌رسد در این روش چندان موفق نبوده‌اند و ترکیباتی بی‌معنی یا مشکل وارد ترجمه خود کرده‌اند. به عنوان مثال، خرمشاهی ترکیب «یوم التناد» را به صورت «روز فریادخوانی» (غافر / ۳۲) و ترکیب «یوم التلاق» را «روز همدیداری» (غافر / ۱۵) ترجمه کرده است. ترجمه «روز فتح» از «یوم الفتح» (سجده / ۲۹) در ترجمه صفوی و «روز فصل» در ترکیب «یوم الفصل» (مرسلات / ۱۴) و ترجمه «روز شمار» از «یوم الحساب» (ص / ۵۳) نیز از همین موارد است.

از طرفی، برخی از مترجمان معاصر قرآن، برابرنهاده‌هایی وضع می‌کنند که ابهام آن از اصل عربی آن کمتر نیست. این ترجمه‌ها نیز مشکلاتی را برای مخاطبان به‌بار آورده و متن فارسی قرآن کریم را تبدیل به متنی ناآشنا و نامأنوس کرده است. برای نمونه می‌توان به باهم‌آیی «أم القری» اشاره کرد. معزی این ترکیب را به صورت: «مادر شهرها» (أنعام / ۹۲؛ شوری / ۷) ترجمه کرده است. بدون شک اگر ابهام این ترکیب از اصل عربی آن بیشتر نباشد، کمتر نیست. از طرفی دیگر «ام القری» همیشه بر مکه اطلاق شده و به صورت اسم علم درآمده است و دیگر قابل ترجمه نیست.

به عنوان نمونه‌ای دیگر می‌توان به باهم‌آیی «الدار الآخرة» اشاره کرد. در قرآن کریم لفظ «دار» هیچ‌گاه با کلمه «الدنیا» هم‌نشین نشده است و این دلالت خاص خود را دارد و آن این‌که واژه «دار» بر استقرار و دوام دلالت دارد و این آخرت است که سرای دوام و استقرار و بلکه جاودانگی است. قرآن به این امر اشاره‌ای واضح دارد: ﴿إِنَّمَا هَذِهِ الدُّنْيَا مَتَّعَ وَ إِنَّ الآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ﴾ (غافر / ۳۹). محدودیت‌گزینی در گزینش واژگان از جنبه‌های بارز این متن مقدس است که مترجمان قادر به ترجمه آن نیستند.

همه هم‌آیندهای قرآنی «الدار»، به زندگی اخروی اشاره دارند، باهم‌آیی‌هایی مثل: «دار البوار، دار الخلد، دار السلام، دار القرار، دار المقامة، دار المتقین و...». در این میان، تنها مورد

اختلافی بین مفسران باهم‌آیی «دار الفاسقین» است. مفسران در مورد این‌که مراد از «دار الفاسقین» در آیه ﴿سَأُورِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ﴾ (اعراف/ ۱۴۵) چیست، اختلاف نظر دارند. ولی قرطبی بر این باور است که مراد از آن «آتش جهنم» است و از حسن و قتاده نیز نقل قول می‌کند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۷، ۲۸۲). مترجمان فارسی نیز به‌گونه‌ای به این امر اشاره کرده‌اند. مشکینی آورده است: «سرای فاسقان (ویرانه‌های مساکن عاد و ثمود و فرعونیان را در دنیا و جایگاه‌های ابدی جهنمشان را در آخرت)» و مترجمان دیگر نیز به «جایگاه فاسقان» اشاره کرده‌اند که مرادشان جهنم است.

باهم‌آیی ﴿مَلَّةٌ اِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا﴾ که ۵ بار در قرآن کریم تکرار شده است، از مواردی است که در ترجمه آن اختلافات فراوانی دیده می‌شود. نخست این‌که «حنیفاً»، حال برای کدام‌یک از دو اسم پیش از خود است؟ خرمشاهی در ترجمه‌اش هر دو صورت را لحاظ کرده و آن را به صورت‌های: «آیین ابراهیم که پاک دین بود» (آل عمران/ ۹۵)، «آیین پاک ابراهیم» (نساء/ ۱۲۵ و انعام/ ۱۶۱)، «آیین ابراهیم پاک دین» (بقره/ ۱۳۵) و «آیین ابراهیم» (نحل/ ۱۲۳) ترجمه کرده است. یعنی در دو ترجمه از ترجمه‌های مذکور، «حنیفاً»، حال برای ابراهیم و در دو ترجمه حال برای «ملة» است و در آخرین مورد هم، واژه «حنیفاً» ترجمه نشده است. مکارم نیز در آیه ۱۶۱ سوره انعام و ۱۲۳ سوره نحل، «حنیفاً» را حال برای ابراهیم در نظر گرفته: «آیین ابراهیم که از آیین‌های خرافی روی برگرداند» و «آیین ابراهیم-که ایمانی خالص داشت» و در سه مورد دیگر، آن را حال برای «ملة» به‌شمار آورده است. بقیه مترجمان: فولادوند، معزی، مشکینی، مجتبوی، صفارزاده، حدادعادل و صفوی، «حنیفاً» را حال برای «ابراهیم» ترجمه کرده‌اند. در این‌جا لزوم یکسانی در ترجمه هم‌آیندهای قرآنی، روشن می‌شود. از طرفی، معزی در یک مورد از باهم‌آیی: «ملت ابراهیم یکتاپرست» استفاده کرده است که این ترجمه جای تأمل دارد؛ چرا که در زبان فارسی، ملت به معنی «دین» رایج نیست و این برای مخاطبی که با زبان عربی آشنایی کافی ندارد، مبهم خواهد بود.

۲-۴- سبک ترجمه و نقش آن در ترجمه باهم‌آیی‌های قرآنی

ترجمه‌های خرمشاهی، حدادعادل و معزی در ترجمه یکسان از باهم‌آیی‌های یکسان، بهترین عملکرد را در بین دیگر ترجمه‌های بررسی شده در این پژوهش داشتند. خرمشاهی و حدادعادل به مسأله یکسانی و هماهنگی در ترجمه ترکیبات قرآنی، واقف بوده، لذا سعی در رعایت یکسانی در ترجمه باهم‌آیی‌های یکسان قرآن داشته‌اند. ترجمه حدادعادل، شباهت زیادی در رعایت همسانی در ترجمه‌ها با ترجمه خرمشاهی دارد. اما دلیل یکسانی ترجمه‌ها در ترجمه معزی، به سبک ترجمه وی برمی‌گردد. ظاهراً چون مترجم خود را مقید به یافتن برابرنهاده برای باهم‌آیی‌های قرآنی کرده و کمتر دست به دامان افزوده‌های تفسیری شده است، هر معادل را یک بار وضع کرده و در سرتاسر ترجمه خود، آگاهانه به‌کار برده است. ولی در دیگر ترجمه‌های بررسی شده، این هماهنگی و یکسانی به‌چشم نمی‌خورد. در ترجمه صفارزاده به دلیل سبک آزاد آن، مترجم دست خود را در یافتن معادل در جای جای قرآن باز دیده لذا هر باهم‌آیی قرآنی را به برابرنهاده‌های مختلف ترجمه کرده است. مشکینی و صفوی نیز به دلیل سبک تفسیری ترجمه‌هایشان، برای توضیح هر باهم‌آیی، دست به دامان افزوده‌های تفسیری زده‌اند که این افزوده‌ها علی‌رغم روشن‌گری متن ترجمه، دیدگاه تفسیری مترجم را بیان می‌کند و احتمالات دیگر را از مخاطب ترجمه در هر باهم‌آیی دریغ می‌دارد و از طرفی مخل روان‌خوانی و سلیس بودن متن شده است. در این میان، ترجمه فولادوند و ترجمه مکارم شیرازی، حالتی بینابین دارد؛ یعنی در برخی از موارد، یکسانی و هماهنگی را در ترجمه عبارت‌ها و باهم‌آیی‌های یکسان قرآنی، رعایت کرده و در برخی از موارد، تعابیر و برابرنهاده‌هایی مختلف برای یک باهم‌آیی قرآنی آورده است.

۳- نتیجه‌گیری

۱- بررسی باهم‌آیی‌ها نشان می‌دهد در ترجمه این ساخت‌ها، نباید تنها به معنای واژگانی کلمات در ترجمه بسنده کرد بلکه باید کلمات هم‌آیند یک واژه را نیز در نظر داشت.

۲- ترجمه‌های خرمشاهی، حدادعادل و معزی در ترجمه یکسان از باهم‌آیی‌های یکسان، بهترین عملکرد را در بین دیگر ترجمه‌های بررسی شده در این پژوهش داشتند. هر چند خرمشاهی و حدادعادل با رویکرد یکسان‌سازی در ترجمه عبارات یکسان قرآنی، مبادرت به این امر کرده‌اند، ولی به نظر می‌رسد در ترجمه معزی، یکسان‌سازی این ترجمه‌ها، به روش ترجمه وی بستگی دارد.

۳- در مورد ترجمه‌های یکسان از باهم‌آیی‌های مختلف در قرآن، ترجمه‌های معزی، خرمشاهی و حدادعادل، سعی کرده‌اند برای هر باهم‌آیی در قرآن کریم، یک ترجمه مخصوص اختصاص دهند، برعکس، ترجمه صفارزاده، بسیاری از باهم‌آیی‌های قرآنی را که یک دلالت مفهومی دارند، به صورت یکسان ترجمه کرده است. دیگر ترجمه‌ها نیز به این موضوع واقف نبوده و حالتی بینابین دارند.

۴- مترجمان فارسی قرآن کریم، به باهم‌آیی، به عنوان یک واحد ترجمه نگاه نکرده‌اند و در بسیاری از موارد، واحد ترجمه‌شان یا کوچک‌تر یعنی کلمه و یا بزرگ‌تر یعنی عبارات اصطلاحی و جملات بوده است.

برای رفع این مشکل پیشنهاد می‌شود نخست، تمام باهم‌آیی‌های قرآنی با بسامد تکرار آن، استخراج و برای هر یک از آن‌ها یک معادل مناسب و برابر - تا حد امکان - وضع شود و مترجم با در نظر گرفتن این موارد، هرگاه به یک باهم‌آیی مکرر در قرآن رسید، به جدول مذکور مراجعه کرده و معادلی را که در آیه‌ها و سوره‌های پیشین برای آن به کار برده است، از جدول انتخاب کند. از طرف دیگر، با استناد به این جدول، می‌توان از ترجمه یکسان هم‌آیندهای مختلف نیز پیشگیری کرد.

هم‌چنین پیشنهاد می‌شود پس از استخراج تمام باهم‌آیی‌های قرآنی، تمام برابرنهادهای آن از ترجمه‌های قرآن استخراج شده و با هم مقایسه و بهترین آن توسط تیم ترجمه یا شخص مترجم انتخاب شود. در این میان توجه به ترجمه‌های قدیمی و تحت‌اللفظی که سعی در وضع معادل‌هایی فارسی برای باهم‌آیی‌های قرآنی داشته‌اند، ضروری است.

۴- پی نوشت

- | | | |
|----------------|-----------------|-------------------------|
| 1) collocation | 2) J.R. Firth | 3) Robert Frank, Palmer |
| 4) W. Teubert | 5) A. Cermakova | |

۵- منابع

* قرآن کریم

- ۱- آذرنوش، آذرتاش: تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، جلد ۱، ترجمه‌های قرآنی، تهران، انتشارات سروش، (۱۳۷۵ش).
- ۲- پالم، فرانک: نگاهی تازه به معنی‌شناسی، ترجمه: کورش صفوی، تهران، نشر مرکز، (۱۹۷۱ [۱۳۷۴]).
- ۳- پورجوادی، کاظم: ترجمه قرآن، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی، چاپ اول، (۱۴۱۴ق).
- ۴- جواهری، سیدمحمدحسن: درسنامه ترجمه؛ اصول، مبانی و فرآیند ترجمه قرآن کریم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، (۱۳۸۹).
- ۵- حدادعادل، غلامعلی: ترجمه قرآن، مشهد: چاپخانه آستان قدس رضوی، چاپ اول، (۱۳۹۲ش).
- ۶- خرمشاهی، بهاءالدین: ترجمه قرآن، تهران: دوستان، چاپ ششم، (۱۳۷۸ش).
- ۷- -----: قرآن پژوهی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، (۱۳۸۹ش).
- ۸- صفارزاده، طاهره: ترجمه قرآن، تهران: موسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر، چاپ دوم، (۱۳۸۰ش).
- ۹- صفوی، سیدمحمد رضا: ترجمه قرآن، قم: دفتر نشر معارف، چاپ اول، (۱۳۸۸ش).
- ۱۰- عبدالفتاح الحسینی، حمادة محمد: المصاحبة اللغوية و أثرها في تحديد الدلالة في القرآن الكريم دراسة نظرية تطبيقية، رسالة دكتوراة، جامعة الأزهر، كلية الدراسات الإسلامية و العربية، (۲۰۰۷ش).
- ۱۱- فرحات، أحمد حسن: أثر المصطلح القرآني في التداخل و التكامل المصطلحي في العلوم الشرعية، دار البحوث للدراسات الإسلامية و إحياء التراث، دبي، العدد العشرون، (۲۰۰۵م).
- ۱۲- فولادوند، محمدمهدی: ترجمه قرآن، تهران: دار القرآن الكريم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، چاپ اول، (۱۴۱۵ق).

- ۱۳- قرطبی، محمد بن احمد: *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول، (۱۳۶۴ش).
- ۱۴- قریشی، سید محمد حسین و بقایی، هادی و علیزاده، علی: «میزان هماهنگی در تکرار برخی از واژگان و ترکیبات هم‌آیند قرآن و ترجمه آن‌ها»، فصلنامه مطالعات ترجمه، سال سیزدهم، شماره ۴۹، بهار (۱۳۹۴ش).
- ۱۵- قلی‌زاده، حیدر: *مشکلات ساختاری ترجمه از عربی به فارسی (در محدوده قرآن کریم)*، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، (۱۳۷۸ش).
- ۱۶- کریمی‌نیا، مرتضی: «یکسانی و هماهنگی ترجمه قرآن»، ساخت‌های زبان فارسی و مسئله ترجمه قرآن، چاپ اول، تهران، انتشارات هرمس، (۱۳۸۹ش).
- ۱۷- کفاش‌رودی، پروین و اکبری، امید و قنسولی، بهزاد: «خطاهای همابندها در ترجمه قرآن کریم»، فصلنامه مطالعات ترجمه، سال سیزدهم، شماره چهل و نهم، بهار (۱۳۹۴ش).
- ۱۸- مجتوبی، سید جلال‌الدین: *ترجمه قرآن*، ویراستار: حسین استادولی، تهران: انتشارات حکمت، چاپ اول، (۱۳۷۱ش).
- ۱۹- مشکینی، علی: *ترجمه قرآن*، قم: الهادی، چاپ دوم، (۱۳۸۱ش).
- ۲۰- معزی، محمدکاظم: *ترجمه قرآن*، قم: انتشارات اسوه، چاپ اول، (۱۳۷۲ش).
- ۲۱- مکارم شیرازی، ناصر: *ترجمه قرآن*، قم: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، چاپ دوم، (۱۳۷۳ش).
- ۲۲- ناصری، مهدی و همکاران، «ترجمه‌های تحت‌اللفظی معاصر قرآن کریم به زبان فارسی؛ برتری‌ها و کاستی‌ها»، دو فصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دوره ۱، شماره ۲، پاییز و زمستان، (۱۳۹۳ش).
- 23- Lyons, John: *Linguistic Semantics, an Introduction*, Cambridge: Cambridge University Press, (1996).
- 24- Sung, j. *English Lexical Collocations and Their Relation to Spoken Fluency of Adult Non-native Speakers*. Unpublished doctoral dissertation. Indiana University of Pennsylvania, Pennsylvania, (2003).
- 25- Teubert. W, Cermakova. A. *Direction in Corpus Linguistics*, in M. A. K. Holliday et al. London and New York Continuum.
- 26- Versteegh, Kees: *encyclopedia of Arabic language and linguistics*, brill. Leiden - Boston, (2006).